سه‌شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴
شماره ۴۴۹۶
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

مصوبهٔ تفویض اختیارات دولت به استانداران مبنای قانونی ندارد

مغایرت‌های قانونی یک مصوبه

زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

افزایش اختیارات استانداران یکی از دغدغه‌های اصلی رئیس‌جمهور، از همان روزهای شروع به کار دولت بود. یکی از علل اصلی تأکید روی این موضوع هم ادعای محدود بودن اختیارات استانداران برای مدیریت چالش‌های استان بود. کارشناسان معتقدند استانداران عموماً در اداره استان با بروکراسی‌های پیچیده و موانع قانونی روبه‌رو می‌شدند که این موارد دست استاندار را برای حل بحران‌ها و چالش‌های استان می‌بست. دولت معتقد است در نگاه به برخی چالش‌ها و بحران‌های استان‌ها، افزایش اختیارات استانداران برای پیشرفت استان مخصوصاً در حوزه اقتصادی می‌تواند به توسعه و پیشرفت استان و کم‌کردن محدودیت‌ها به‌خصوص در شهرهای مرزی اثرگذار باشد و آسیب نگاه تمرکزگرایانه به دولت را حل کند. در یکی دو ماه گذشته دولت به‌طورجدی برای افزایش اختیارات استانداران دست به اقدام زد و مصوباتی برای افزایش اختیارات در هیئت‌دولت تصویب شد. در این مصوبات علاوه بر افزایش برخی اختیارات، بخشی از وظایف رئیس‌جمهور و وزرا به استانداران تفویض می‌شد که این بخش برخی انتقادات را به همراه داشت. یکی از نگرانی‌های اصلی که در مورد تفویض اختیارات به استانداران محل توجه قرار دارد، خطر حرکت به سمت فدرالیته شدن است. نگرانی‌ای که در این رابطه وجود داشت این بود که افزایش اختیارات به استانداران می‌تواند مشکلات و چالش‌هایی را در این شرایط حساس به همراه داشته باشد. نکته دیگر اما مغایرت‌های قانونی این مصوبه با متن قانون اساسی است. این تناقضات باعث شد پیش از ارسال لایحه‌ای به مجلس، رئیس مجلس، در نامه‌ای به رئیس‌جمهور مصوبه هیئت وزیران در مورد تفویض اختیار به استانداران را مغایر قانون اساسی بداند و آن را ملغی اثر بداند.

افزایش اختیارات استانداران، دغدغهٔ دولت‌ها

ماجرای افزایش اختیارات استانداران، در دولت‌های قبل نیز در دستور کار قرار داشته است، محدود بودن اختیارات استانداران و عدم تغییر قانون اختیارات استانداران از سال ۷۷ باعث شد شورای عالی اداری استان در دولت سیزدهم، اصلاحاتی را در وظایف و اختیارات استانداران ایجاد کند که این اختیارات از ۵۰ بند به ۷۵ بند افزایش پیدا کرد. البته در جریان بررسی اصلاحات اعمال‌شده بر قانون، این موضوع مورد توجه قرار گرفت که افزایش اختیارات استانداران، نباید منجر به کاهش اختیارات وزیر شود و هر دو بخش باید با یکدیگر کار کنند. از جمله اصلاحات اعمال‌شده بر قانون این بود که انتصاب مدیران استانی باید با نظر مثبت استاندار صورت بگیرد، همچنین نظارت بر مراودات با کشورهای همسایه در مورد امور مرزبانی در استان‌های مرزی، تسهیل‌گری و رفع موانع در شناسایی و مبارزه با قاچاق سازمان یافته، نظارت بر حسن تخصیص بودجه و اعتبار به ادارات استانی، از جمله اصلاحات اعمال‌شده بر قانون اختیارات و وظایف استانداران بود که دست آن‌ها برای مدیریت بحران‌ها و چالش‌های استان باز می‌کرد.

تفویض اختیارات، فرار از تمرکزگرایی

مسعود پزشکیان از روزهای آغازین کار دولت، تأکید ویژه‌ای بر افزایش اختیارات استانداران داشت. استانداران در شهرها برای انجام اقدامات کوچک با بروکراسی‌های اداری و پیچیده مواجه می‌شوند که امکان انجام اقدامی مثبت برای استان‌ها را عموماً سخت و غیرقابل‌دسترس می‌کند. گاهی انجام یک اقدام کوچک در استان، ماه‌ها معطل تأیید یک وزارتخانه و امضا می‌ماند، این تمرکزگرایی در تصمیم علاوه بر آنکه بار روی دوش دولت‌ها را با اقدامات کوچک و کم‌اولویت برای دولت سنگین می‌کنند، امکان توسعه و پیشرفت استان با تصمیم‌گیری استاندارانی را که به کلان‌مسئله‌های استان آشنا هستند با مانع مواجه می‌کند. طبیعی است وزارتخانه‌ها برای حل بحران و چالشی که در استان‌ها وجود دارد، از میزان تسلط و آشنایی که یک استاندار به ریزترین مسائل استان دارد برخوردار نیستند و محتمل است این موضوعات بر تصمیم‌گیری‌های درست یا نادرست در مورد استان اثرگذار باشد. به این منظور افزایش اختیارات استانداران از چند جنبه می‌تواند نتایج مثبتی به همراه داشته باشد:

۱. استانداران برای انجام اقدامات لازم در استان دیگر معطل یک امضا نمی‌مانند و تصمیم‌گیری‌ها با سرعت بیشتری انجام می‌شوند.

۲. از آنجا که استانداران به مسائل و بحران‌های ریز و درست استان آشنایی و اشراف بیشتری دارند، تفویض اختیارات به آن‌ها می‌تواند اثرات مثبتی در حل بحران‌ها و تصمیمات عقب افتاده دولت‌ها داشته باشد.

۳. افزایش اختیارات استانداران می‌تواند کمی از بارهای سنگین روی دوش دولت‌ها را سبک کند، علاوه بر اینکه مدیریت کشور از تمرکزگرایی افراطی فاصله می‌گیرد، حجم مسئولیت‌های سنگین دولت در استان‌ها را به استانداران تفویض می‌کند، مشروط به آنکه این تفویض، اثرات مستقیم و مثبتی برای استان نیز داشته باشد.

مغایرت قانونی یک تفویض

وزارت کشور در یک سال اخیر، اهتمامی ویژه بر تفویض این اختیارات به استانداران داشته است. سال گذشته و در جریان برگزاری نشست سراسری استانداران، رئیس‌جمهور به‌صورت سرزده در این اجلاس شرکت کرد و در مورد حدود افزایش اختیارات به استانداران گفت: «دولت تفویض اختیار را در مقابل عملکرد و موضوعات مشخص تعریف کرده، به‌عنوان‌مثال ما آمادگی داریم درباره فراهم‌کردن زیرساخت‌های لازم برای استفاده از انرژی خورشیدی، هرگونه اختیاری به استانداری‌ها تفویض کنیم، اما تفویض اختیار بدون مشخص کردن موضوع برای آن، منجر به هرج‌ومرج خواهد شد.» روز گذشته معاون حقوقی رئیس‌جمهور اعلام کرد رئیس‌جمهور دوماه پیش، تصمیم‌گیری در مورد افزایش اختیارات را مستقیماً به معاونت حقوقی، وزارت کشور، سازمان برنامه و امور استخدامی محول کرده است. بعد از دوماه با اتخاذ تصمیم در مورد تفویض اختیارات به استانداران جمع‌بندی این بود که شخص استاندار به‌عنوان نماینده عالی دولت ناظر و راهبرند و برخی اختیارات به طور خاص به استانداران منتقل شود. هفته گذشته این تصمیمات به دولت برده شده و دو سوم آن تصویب شد. او به این موضوع هم اشاره کرد که قرار است «وزرا هر ۶ماه یک بار نتیجه اختیارات را رصد کنند و گزارش آن را به دولت بدهند.» مجید انصاری به این موضوع هم اشاره کرد که ۱۶ اختیار مهم برای استانداران تدوین شده که نیازمند تصویب مجلس است و در قالب لایحه در حال تدوین است. اما پیش از آنکه دولت لایحه‌ای را به مجلس تقدیم کند، محمدباقر قالیباف در متن نامه‌ای تفویض اختیارات به استانداران را برخلاف قانون اساسی دانست. در بخشی از این نامه آمده «تفویض اختیار دولت موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی، به نماینده یا نمایندگان ویژه، رئیس‌جمهور، محدود به امور اجرایی است... لازم است این تصویب‌نامه، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس برسد تا درصورتی که آن را خلاف قوانین بدانند، با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت‌وزیران بفرستد.» قالیباف در بخش دیگری از نامه اشاره می‌کند موضوع مصوبه دولت، تفویض اختیار وزرا به استانداران است و چون مصادیق هم مشخص نکرده، به این معنی است که تمام اختیارات هیئت وزیران و رؤسای سازمان‌ها بدون تعیین موضوعات مشخص قابل تفویض است و با قانون اختیارات وزیران مغایرت دارد. آنچه رئیس مجلس به آن اشاره می‌کند صرفاً در مورد افزایش اختیارات استانداران نیست، بلکه تأکید مصوبه دولت بر «تفویض اختیارات وزرا به استانداران است.» این موضوع با متن قانون در تناقض است و براین‌اساس اصلاح آن منوط به اصلاح مجلس است. رئیس مجلس نیز با استناد به قانون مبنی بر آنکه «اگر زمانی آن دسته از مصوبات هیئت‌وزیران را مغایر با قانون بداند می‌تواند آن را ابطال کند»، صورت‌گرفته است.

اثرات منفی یک تفویض

بر این مبنا مصوبه دولت تفاوتی با افزایش اختیارات صرف استانداران دارد و ازاین‌جهت نقاط منفی و نگران‌کننده‌ای دارد؛ نکته اول آنکه نگرانی اصلی از حرکت به سمت نظام فدرالی در مورد این مصوبه وجود دارد، تفویض اختیارات بدون شفاف‌سازی حدود آن می‌تواند مشکلات تازه‌ای برای کشور ایجاد کند. نکته دیگر آنکه به نظر می‌رسد مصوبه حدود و ثغور اختیارات استانداران را مشخص نکرده و صرفاً وظایف را تفویض کرده، این موضوع نیز یا منجر به عدم اجرای مصوبه می‌شود یا اجرای آن هرج‌ومرج در تصمیم‌گیری‌ها را به همراه خواهد داشت. نکته دیگر آنکه این تفویض با متن قانون نیز در تناقض است؛ چراکه در برخی موارد خطاب قانون مستقیماً با شخص وزیر بوده و دادن این اختیارات که طرف خطاب آن در قانون وزرا هستند، مغایر با قانون اساسی است و بعید به نظر می‌رسد مجلس نیز با ارسال لایحه‌ای برای تفویض اختیارات بدون تعیین حدود و ثغور مشخص، موافقت کند.

سخنگوی کمیسیون شوراها در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تفویض اختیارات به استاندار غیرقانونی، اما افزایش اختیارات ضروری است

رئیس مجلس در نامه ارسالی به رئیس‌جمهور در مورد مصوبه جدید دولت، آن را مغایر قانون دانست چراکه علاوه برآنکه حدود این اختیارات مشخص نشده است، وزرا و رئیس‌جمهور هم نمی‌توانند اختیاراتشان را به فرد دیگری تفویض کنند. ولی‌الله بیاتی، سخنگوی کمیسیون شوراهای مجلس نیز در تشریح این موضوع اشاره کرد که رئیس‌جمهور می‌تواند در برخی موارد اختیارات را به معاون خود واگذار کند اما با توجه به آنکه در قانون چیزی تحت عنوان تفویض اختیار به استاندار وجود ندارد، چنین مصوبه‌ای مغایر قانون اساسی است، در ادامه مشروح این گفت‌وگو را از نظر می‌گذرانید.

تفویض هر اختیاری به استاندار باید مبنای قانونی داشته باشد

ولی‌الله بیاتی در مورد علت مغایرت مصوبه دولت با قانون گفت: «مجری از نظر ما دولت است و پاسخگوی مجلس نیز باید، دولت باشد و رئیس‌جمهور و وزرا پاسخگو هستند. در قانون جایی نداریم که رئیس‌جمهور بتواند این اختیارات را به فرد دیگری تفویض کند. شاید در بعضی موارد قانونی بتواند چنین اختیاراتی را به معاون تفویض کند، اما اینکه این اختیارات به استانداران تفویض کند، در قانون پیش‌بینی نشده است. وقتی یک موضوعی مغایرت قانونی داشته‌باشد، قطعاً در اجرا به‌مشکل می‌خورد. ممکن است یک موضوعی را رئیس‌جمهور به استاندار تفویض کند، اما دستگاه قضایی فصل‌الخطاب را رئیس‌جمهور می‌داند. بنابراین نمی‌شود بر اساس یک کار خلاف قانون به خواست رئیس‌جمهور، دستگاه قضایی تصمیم بگیرد. اگر رئیس‌جمهور فکر می‌کند که این کار می‌تواند به روند اجرایی کشور کمک کند، باید لایحه‌ای بیاورد و برای مواردی که می‌خواهد تفویض کند، از مجلس مجوز بگیرد. یا مثلاً در زمان بحران یا جنگ، ممکن است ضرورت داشته باشد برخی از این اختیارات به استانداران داده شود پس اگر قرار باشد رئیس‌جمهور اختیاری را به استانداران واگذار کند، باید مبنای قانونی داشته باشد و اگر مبنای قانونی وجود نداشته باشد، در تمام تصمیماتی که استاندار می‌گیرد، سازمان بازرسی و دیوان محاسبات می‌بایست ورود کند و با آن فرد چه استاندار چه فرد دیگر، مطابق قانون برخورد کند.»

تفویض اختیارات کلی رئیس‌جمهور قانونی نیست

بیاتی در مورد اینکه اگر لایحه‌ای به مجلس ارسال شود، دولت می‌تواند این اختیارات را تفویض کند یا خیر، گفت: «لایحه باید بگوید که کدام بخش از اختیارات را واگذار می‌کند. بعضی از مسائل ما امنیتی، سیاسی و اقتصادی هستند. رئیس‌جمهور نمی‌تواند به استاندار اختیار دهد که مدیر کل منصوب کند، یا نمی‌تواند اختیار دهد که در مسائل امنیتی، تصمیم بگیرد. درست است که رئیس‌جمهور رئیس شورای عالی امنیت ملی است؛ اما در قانون هم چنین اختیاری برای استانداران پیش‌بینی نشده است. آنچه در قانون در مسائل مختلف، دیده شده است، باید رئیس‌جمهور اجرا کند اگر در موردی خواست اختیاری تفویض کند که مثلاً در باره قیر شهرداری‌ها یا خرید گندم یا پرداخت حقوق‌ها اختیاراتی داده شود، ممکن است اما به‌صورت کلی امکان‌پذیر نیست. در مصوبه دولت این جزئیات اعلام نشده و لایحه‌ای به مجلس اعلام وصول نشده است.»

در زمان بحران تفویض اختیار به استاندار لازم است

بیاتی در مورد اینکه حوزه اختیارات استانداران می‌تواند در چه مواردی افزایش پیدا کند، گفت: «جنگ ۱۲ روزه آزمون و خطایی برای ما بود. در بعضی مسائل، ممکن است استان‌ها نیاز داشته باشند در این موارد تصمیم بگیرند مثلاً در زمان بحران یا جنگ استاندار اختیار کامل داشته باشد که تصمیم بگیرد. یکی دیگر از موضوعات معیشتی و اقتصادی و جذب سرمایه‌گذار است. اینکه اقداماتی انجام شود که سرمایه‌گذار سریع‌تر آورده شود و مجوزها سریع صادر شود، مثبت است. برخی از این‌ها به تهران و وزارتخانه‌ها ارجاع داده می‌شوند و زمان طولانی صرف می‌شود. یکی از موضوعات ناترازی انرژی است که برای جبران این مشکل، استانداران باید اختیار داشته باشند تا سرمایه‌گذار درگیر فرایندهای طولانی قانونی نشود. یکی از موارد دیگر، اختیارات ادارات و شهرستان‌هاست که صاحب اختیار باشند. در برخی شهرستان‌ها باید یک کمیسیون در استان تشکیل شود، در برخی استان‌ها یک کمیسیون می‌بایست در وزارتخانه تشکیل شود که بعضاً برخی امور مردم مختل می‌شود.»

افزایش اختیار ممکن است تفویض، قانونی نیست

تفویض اختیار با افزایش اختیار استانداران، تفاوت دارد، سخنگوی کمیسیون شوراهای مجلس در این رابطه توضیح داد: «دو موضوع جداگانه است؛ یکی اینکه اختیارات استانداران را افزایش دهیم یکی اینکه اختیارات رئیس‌جمهور را به استاندار، تفویض کنیم، این دو موضوع جداگانه است. در برخی موارد اصلاً قانون اجازه نمی‌دهد که اختیارات رئیس‌جمهور به استاندار داده شود. بنابراین رئیس‌جمهور نمی‌تواند اختیاراتی که قانون به او داده را به فردی دیگر تفویض کند، اما در مورد بیشتر کردن اختیارات استاندار می‌شود. برای مثال ممکن است وزیر اختیاری داشته باشد مثلاً ممکن است در برخی موارد، مثل الحاق به محدوده شرق یا واگذاری چند هکتار زمین، اختیار را به استان دهند. برخی از شوراهایی که در کشور تشکیل می‌شود می‌تواند اختیار به استاندار داده شود. جایی که قانون وجود دارد، نمی‌شود این اختیارات را تفویض کرد؛ اما جایی که آیین‌نامه است، دولت می‌تواند آن را به شکلی تنظیم کند. چون ما در قانون گفته‌ایم آیین‌نامه به‌گونه‌ای تنظیم شود که اختیارات استاندار بیشتر شود. ضمن اینکه وضعیت اداری ما واقعاً مناسب و پاسخگو نیست. دستگاه‌های اداری واقعاً پاسخگو نیستند، مخصوصاً در حوزه سرمایه‌گذاری. متأسفانه ادارات ما برای جذب سرمایه، چابک و فعال نیستند. بنابراین می‌توان بعضی از اختیارات استاندار را افزایش داد. در قالب آیین‌نامه می‌تواند اختیارات را بیشتر کند اما چیزی که به عنوان قانون آمده، واگذاری اختیارات به استانداران، وجود ندارد، بنابراین وزارتخانه‌ها می‌توانند، اختیارات استاندار را بیشتر کنند و این باعث می‌شود که در روند اجرایی هم کار تسهیل شود.»

دولت تنها اختیار تصویب آیین‌نامه دارد

سخنگوی کمیسیون شوراهای مجلس در مورد اینکه اگر لایحه‌ای به مجلس در این مورد ارسال شود، مجلس با آن مخالفت می‌کند، تأکید کرد که هرچه با قانون مغایر باشد، مجلس با آن مخالفت می‌کند و در مورد نگرانی در خصوص حرکت به سمت فدرالیسم، گفت: «فقط باید قانون را رعایت کنند. ما یک قانون را تصویب می‌کنیم، می‌گوید که آیین‌نامه را باید دولت تصویب کند، آنجا که اختیار دست دولت است، آیین‌نامه و دستورالعمل است اما اگر در جایی برخلاف قانون، اقدامی انجام دهند، دستگاه‌های نظارتی برخورد می‌کنند و آن دستور، قابلیت اجرا ندارد و اگر دستور مغایر قانون باشد، قابلیت اجرا ندارد اگر در قالب آیین‌نامه باشد، می‌توانند اختیارات استاندار را بیشتر کنند.»

کشاورزی؛ متهم یا مدعی؟!

ادامه از صفحه یک

حال چه عواملی سبب می‌شود که بهتر بتوان مصرف آب کشاورزی را مدیریت کرد؟

میزان وابستگی مصرف آب کشاورزی به درآمد احتمالاً حاکی از این است که کشورهای با درآمد بالاتر، سرمایه‌گذاری بیشتری در فناوری‌های مربوط به مصرف و توزیع آب دارند. به‌عنوان مثال ایجاد زیرساخت‌ها و تأسیسات نوین آبیاری همچون قطره‌ای، بارانی و زیرسطحی که نیازمند سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی است. ممکن است گفته شود که کشورهای با درآمد بالا، به جای تولید غذا و کشاورزی در داخل کشور خود، به واردات محصولات غذایی و کشاورزی از دیگر کشورها مبادرت می‌کنند و این کار پرزحمت و با مصرف بالای آب را از سر خود باز می‌کنند. باز مسئله تغییری نمی‌کند و تولید غذا در هر جایی نیازمند آب است. تنها در روش تولید و میزان مصرف می‌توان بازنگری کرد. در ثانی باتوجه به شرایط موجود سیاسی در سطح جهان و منطقه و بالاگرفتن مناقشه و درگیری نظامی، بسیاری از کشورها حد اساسی غذا را خودشان تولید کرده و حتی محدودیت‌های صادراتی را وضع کرده‌اند. باید پرسید چرا حمایت لازم از بخش کشاورزی جهت به کار گرفتن فناوری‌های جدید صورت نگرفته است و متأسفانه همیشه به این بخش به عنوان سربار نگریسته شده است! طبق آمار میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در این بخش در طول ۱۰ سال گذشته به طور متوسط در حدود ۵ درصد بوده است. در حالی که این بخش، نیازمند سرمایه‌گذاری بسیار بیشتری است و با میزان فعلی نمی‌توان به اهداف مشخص دست یافت.

در حالی که اگر در طول سال‌های متمادی سرمایه‌گذاری لازم برای اصلاح روش‌های آبیاری و الگوی کشت متناسب با اقلیم انجام شده بود، از اتلاف آب و محصولات کشاورزی جلوگیری شده بود. تجربه کشورها نشان می‌دهد که آبیاری هوشمند با فناوری مجهز به هوش مصنوعی می‌تواند مصرف آب را در بخش کشاورزی ۳۰ درصد کاهش دهد. استفاده از روش‌ها و ابزارهای جدید علاوه بر سرمایه‌گذاری، نیازمند آموزش‌هایی برای ترویج این الگوی کشاورزی و آبیاری است. چراکه بخش مهمی از کشاورزان به سبک کشاورزی سنتی عادت دارند و به این راحتی، روش‌های جدید را نمی‌پذیرند.

توزیع جمعیت در زنجیره آبخیزداری آبخوان‌داری و کشاورزی

بخش صنعت و خدمات عمومأً در نقاط خاصی متمرکز می‌شود و ایجاد تراکم جمعیت را در همان نقاط به همراه می‌آورد. این پدیده خود بحران‌هایی پیاپی از جمله ناترازی در انرژی و کم‌آبی را به همراه دارد. کلان‌شهرهایی همچون تهران، اصفهان و تبریز که تمرکز خدمات دولتی و فعالیت‌های صنعتی را در خود ایجاد کرده، علاوه بر محدودیت‌های آبی، با بحران‌های اجتماعی و هویتی ناشی از تمرکزگرایی دچار شده است.

در مقابل کشاورزی به عنوان عرصه‌ای که دامنه فعالیت آن تقریباً کل پهنه سرزمینی را در بر می‌گیرد، امکان توزیع جمعیت را به صورت نسبتاً متوازن فراهم می‌کند و طبعاً از ظرفیت آب که در کل کشور توزیع شده بهتر می‌توان استفاده کرد. سیاست متین کشاورزی متناسب با ظرفیت‌های اقلیمی نشان داده بر خلاف تصوری که وجود دارد، در پیش گرفتن کشاورزی هم به تولید آب و درآمدزایی از یک‌سو و از سوی دیگر توزیع جمعیت در کل پهنه سرزمینی کمک می‌کند. تجربه پرماکالچر در آفریقا توانسته به عنوان یک الگو برای احیای زمین خشک عمل کند و سرزمین‌های بیابانی نیجر را به جنگل‌های غذایی تبدیل کند. در این مناطق توانسته‌اند با ایجاد چاله‌های آبگیر و کاشت گونه‌های بومی مقاوم به خشکی به تدریج زمین خشکیده را احیا کنند و آن‌ها را به مزارع پرثمر تبدیل کنند و در نتیجه به تولید غذا و اشتغال جامعه محلی کمک کنند. در داخل کشور ما تجربه احیای زمین با روش آبخوان‌داری و با پیشگامی دکتر سیدآهنگ کوثر نشان داده حتی در شرایط کم‌آبی می‌توان با مدیریت صحیح، هم آب را در زیرزمین ذخیره و از تبخیر جلوگیری کرد و هم تولید را رقم زد. او دشت خشکیده گربایگان فسا را از تهدید سیل نجات داد و از سوی دیگر امکان زندگی و معیشت را به مردم این ناحیه برگرداند. در حالی که این دشت یکی از خشک‌ترین مناطق ایران است، اما توانستند در وسعت ۲۰۰۰ هکتار جنگل‌کاری و ذخیره آب در سفره‌های زیرزمینی را محقق کنند. عملیات آبخیزداری، آبخوان‌داری و کشاورزی در یک زنجیره قرار دارد و می‌تواند اکوسیستم منطقه را احیا کرده و از فرسایش خاک و هدررفت آب جلوگیری کند. تجربه دیگر به کارگیری «چاله سمبک» برای ذخیره آب و کاشت هندوانه است که هنوز هم مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در این فناوری با به‌کارگیری گودال‌هایی به شعاع ۱۰ متر یا بیشتر تا عمق سه چهار متر، اولاً نزولات آسمانی را در کف این گودال ذخیره می‌شود. و بعد برای کاشت برخی از صیفی‌جات به خصوص هندوانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این کار از گذشته در دشت‌های اطرف آران و بیدگل رایج بوده و هم‌اکنون نیز قوت گرفته است. این هندوانه برای کاربردهای درمانی و برای گردشگران بسیار مورد پسند قرار گرفته است. مثال آخر مربوط به سابقه باغات بادام در برخی مناطق کشور از جمله سمیرم به‌صورت دیم است که با زحمت باغداران، این محصول با ارزش غذایی بالا تولید می‌شود. در شهرهایی که از متوسط بارندگی برخوردار هستند، تقریباً نیاز به آبیاری به جز در چند ماه اول کاشت نهال، وجود ندارد. در مجموع به نظر می‌رسد برخلاف تصور رایج، کشاورزی دشمن آب و نابودکننده سرزمین نیست. تجربه جهانی و تاریخی ایران نشان داده که کشاورزان می‌توانند با کمترین میزان استفاده از آب حتی در نقاط دوردست، کشت و کار را رقم‌زده و تولید را رونق دهند.